

کاشت

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

شنبه ۶ بهمن ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۱۸ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

دانشگاه‌های گلستان خانه دوم
دانش بنیان‌ها باشد



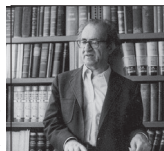
۲

سرمایه‌گذاری در سواحل گلستان
آسان شود



۲

کنجینه‌ای بی نظیر
به نام کتابخانه مینوی



۴ و ۵

یادداشت اول

مجتبی مینوی

■ احسان مکتبی

ما ایرانیان بسیاری از اوقات نمی‌اندیشیم که میراث دار چه سرمایه بزرگی بوده و هستیم. بسیاری از اوقات تامل نمی‌کنیم که در کجای تاریخ وجود ایستاده ایم و اینجا که به ثبات رسیده ایم، بر دوش کدام بزرگان ایستاده ایم، بسیاری از اوقات اصولاً فکر نمی‌کنیم. گاه اگر بیندیشیم چنان به روزمره گی در افتاده ایم که از خود شرمند می‌شویم، سن و سال خود را با بزرگانی چون فردوسی و سعدی و خیام و ... قیاس کنیم و سپس بیندیشیم که آنها در کجای هستی ایستاده بودند و ما کجا.

جناب سعدی می‌فرماید:

ای که پنجاه رفت و در خوابی

مگر این چند روزه در یابی

خجیل آن کس که رفت و بار نساخت

کوس رحلت ززند و کار نساخت ...

او در پنجاه سالگی بوستان و گلستان را

خلق کرد اما من و شما در پنجاه سالگی

برای ایران چه کرده ایم؟

یا جناب فردوسی بزرگ که آنقدر بزرگی

و شکوه با خود دارد که راست قامت‌ترین

انسانها در برابرش کوچک می‌نمایند

وقتی در میانه شاهنامه بزرگش می‌فرماید:

یکی میوه داری بماند زمن

که بارد همی بار او بر چمن

از آن پس که پیمود پنجاه و

هشت به سر بر فراوان شگفتی

گذشت (آغاز داستان سیاوش)

و نشان می‌دهد در پنجاه و هشت

سالگی تمام وجود خود را برای فرهنگ

و اعتلای ایران گذاشته است و آنگونه که

در ابیات واپسین شاهنامه می‌سراید که:

دو چشم و دو گوش من آهو گرفت

تهیدستی و سال نیرو گرفتم (آهو به

معنای عیب)

و ادامه می‌دهد:

ازو یادگاری کنم در جهان

که تا هست مردم نگرند نهان...

و در آن از تنگدستی و کهنسالی شکوه

می‌کند و آرزو دارد این نامه باستان را

به اتمام برساند در کجای تاریخ ایستاده

است و من و شما کجا، این چنین

بزرگانی علاوه بر گذشته در تاریخ

معاصر ایران هم داشته ایم که تمام

وجود خود را وقف فرهنگ و اعتلای

ایران کرده‌اند نمونه آن را می‌توان در

مجتبی مینوی، پرویز ناتل خانلری، محمد

علی فروغی و بسیاری دیگر جست

و درباره آنها سخن گفت و شنید...



توانمندسازی ۶ محله کم‌برخودار
درحال انجام است



هزار و ۹۵۰ میلیارد ریال از مطالبات
سویا کاران پرداخت شد



به یاد برادریم سید ابوالحسن مختاباد
نور آفتاب زمستانی



اقتصاد بیمار گلستان

گلیه نتایج طرح آماری نیروی کار پاییز ۱۴۰۲

جدول ۲: برخی از شاخص‌های عمده بازار کار جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر را به تفکیک استان در پاییز ۱۴۰۲ در مقایسه با پاییز ۱۴۰۱ نشان می‌دهد.
جدول ۳: شاخص‌های عمده بازار کار جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر به تفکیک استان در پاییز ۱۴۰۲ در مقایسه با پاییز ۱۴۰۱ (درصد)

استان	نرخ مشارکت اقتصادی		نسبت اشتغال		نرخ بیکاری	
	پاییز ۱۴۰۲	پاییز ۱۴۰۱	پاییز ۱۴۰۲	پاییز ۱۴۰۱	پاییز ۱۴۰۲	پاییز ۱۴۰۱
کل کشور	۴۱.۲	۴۱.۵	۳۸.۳	۳۸.۵	۷.۶	۷.۶
آذربایجان شرقی	۴۱.۲	۴۲.۵	۳۸.۵	۳۸.۵	۶.۷	۶.۷
آذربایجان غربی	۴۱.۳	۴۱.۵	۳۸.۴	۳۸.۴	۷.۷	۷.۷
اردبیل	۴۵.۲	۴۷.۲	۴۰.۶	۴۰.۶	۱۰.۷	۱۰.۷
اصفهان	۴۰.۲	۴۲.۰	۳۷.۳	۳۷.۳	۸.۶	۸.۶
البرز	۳۹.۵	۳۹.۷	۳۶.۴	۳۶.۴	۸.۱	۸.۱
ایلام	۳۱.۴	۳۱.۹	۲۹.۷	۲۹.۷	۵.۷	۵.۷
بوشهر	۳۹.۸	۴۰.۵	۳۶.۸	۳۶.۸	۹.۳	۹.۳
خراسان	۴۰.۵	۴۱.۲	۳۸.۷	۳۸.۷	۵.۴	۵.۴
چهارمحال و بختیاری	۴۲.۸	۴۲.۵	۳۶.۶	۳۶.۶	۱۱.۵	۱۱.۵
خراسان جنوبی	۴۰.۹	۴۲.۰	۳۹.۰	۳۹.۰	۵.۵	۵.۵
خراسان رضوی	۴۶.۴	۴۴.۴	۴۲.۳	۴۲.۳	۵.۳	۵.۳
خراسان شمالی	۴۵.۳	۴۶.۰	۴۱.۳	۴۱.۳	۷.۰	۷.۰
خوزستان	۴۰.۲	۳۹.۸	۳۵.۴	۳۵.۴	۱۰.۷	۱۰.۷
زنجان	۵۱.۶	۴۹.۸	۴۸.۱	۴۸.۱	۷.۲	۷.۲
سمنان	۳۸.۳	۳۷.۱	۳۴.۳	۳۴.۳	۵.۸	۵.۸
سیستان و بلوچستان	۳۶.۳	۳۵.۹	۳۱.۷	۳۱.۷	۱۳.۵	۱۳.۵
فارس	۳۷.۵	۳۷.۵	۳۵.۳	۳۵.۳	۷.۵	۷.۵
فردوس	۴۲.۳	۴۲.۸	۴۰.۸	۴۰.۸	۶.۲	۶.۲
قم	۳۹.۹	۳۹.۶	۳۶.۸	۳۶.۸	۷.۹	۷.۹
کردستان	۴۲.۳	۴۲.۵	۳۹.۳	۳۹.۳	۹.۷	۹.۷
کرمان	۳۹.۸	۳۹.۵	۳۶.۲	۳۶.۲	۹.۰	۹.۰
کرمانه	۴۴.۴	۴۴.۶	۳۸.۳	۳۸.۳	۱۱.۲	۱۱.۲
کهگیلویه و بویراحمد	۳۳.۷	۳۱.۱	۳۰.۴	۳۰.۴	۸.۵	۸.۵
گلستان	۳۹.۴	۴۰.۴	۳۵.۵	۳۵.۵	۹.۲	۹.۲
گیلان	۴۲.۴	۴۲.۵	۴۰.۱	۴۰.۱	۶.۲	۶.۲
استان	۴۱.۷	۴۱.۵	۳۶.۷	۳۶.۷	۱۱.۶	۱۱.۶

حتی در مقایسه با کل سال ۱۴۰۲ علیرغم رشد جمعیت بالای ۱۵ سال استان در طی یکسال تعداد شاغلین استان نه تنها افزایش نیافته بلکه کاهش هم داشته است و به تعداد بیکاران در سطح استان افزوده شده است. بدون برآوردها و محاسبات هم نسبت اشتغال و مقایسه آن با دوره مشابه سال قبل خود به تنهایی بهترین نشانه برای عملکرد اشتغال زایی استان میباشد و هر گونه کاهش در نسبت اشتغال نشان از کاهش شاغلین و عملکرد منفی ایجاد اشتغال در استان دارد لذا استاندار محترم و معاون محترم اقتصادی ایشان باید توجه داشته باشند که شرایط شاخص های نیروی کار استان به هیچ روی شاخص های خوبی در سطح کشور نیست و باید به سرعت ضمن تغییر مدیران کل اقتصادی استان که نتایج پاییز امسال نشانه ای از عملکرد آنان است فورا طرحی نو دراندازند و با بهبود مستمر فضای کسب و کار استان و حمایت از سرمایه گذاری و حمایت از صنایع کوچک و متوسط و حمایت از بخش گردشگری و خلمت که موتور محرک ایجاد اشتغال میباشد اقدامات کوتاه مدت و میان مدت خود را انجام دهند و با توجه به اینکه بیش از ۹۰ درصد تامین سرمایه در سطح کشور توسط بانکها انجام میشود بحث تسهیلات دهی بانکها در سطح استان را موکنا پیگیری کنند و اجازه ندهند منابع بانکی استان ضعیفی مانند گلستان در استانهای برخوردار مصرف شود اتفاقی که در نه ماهه امسال افتاده و انشالله در مطلب دیگری به آن خواهیم پرداخت.

باشد و اگر با استانهای شمالی یعنی گیلان و مازندران و خراسان شمالی مقایسه شود اوضاع بدتر و نرخ مشارکت اقتصادی استان ۴ تا ۵ درصد کمتر از استانهای فوق می باشد. دو شاخص بعلی نیروی کار هم اوضاع وخیمی در استان دارد و نرخ بیکاری استان با وجود نرخ مشارکت پایین استان با ۹/۹ درصد جزء شش استان انتهایی جدول استانها و نسبت اشتغال استان هم با عدد ۳۶/۷ درصد در مقایسه با نسبت ۳۸/۲ درصد کشور حدود ۱/۵ درصد

استان و رشد حدود ۱۶ تا ۱۷ هزار نفر به جمعیت بالای ۱۵ سال استان در طی یکسال جمعیت فعال استان نه تنها اضافه نشده بلکه حدود ۷۱۰۰ نفر هم از جمعیت فعال پاییز سال قبل کاسته شده و به جمعیت غیر فعال استان اضافه شده اند ضمن اینکه این نرخ مشارکت در مقایسه با فصل قبل یعنی تابستان امسال هم حدود ۱/۵ درصد کاهش داشته و در مقایسه با نرخ مشارکت ۴۱/۲ درصدی کشور هم ۱/۸ درصد کمتر از میانگین کشوری می

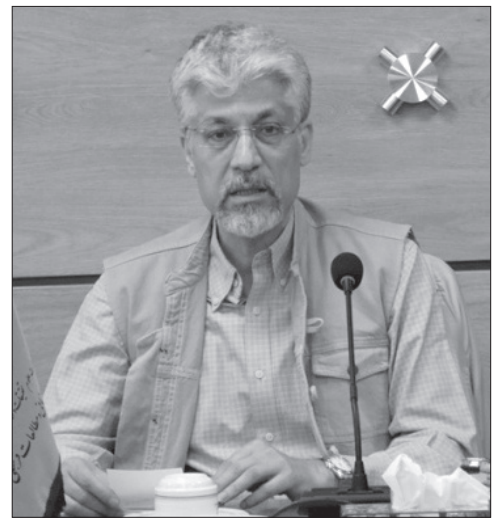
گنجینه‌ای بی نظیر به



همکاری داشتند و برخی نظیر تقی‌زاده، جمال‌زاده، فخرالدین شادمان، علی دشتی، سعیدی سیرجانی، امیری فیروزکوهی و بسیاری دیگر آثار خود را مرتباً در آن منتشر میکردند. مینوی ظاهراً اغلب مطالب یغما را به‌دقت می‌خوانده و نظر خود را درباره آنها — گاهی فقط در حد یکی دو کلمه یا عبارت و گاهی هم مفصل‌تر — در حاشیه صفحات می‌نوشته است. بعضی از این حواشی، چنان‌که داب او بود، آن قدر تند و صریح و حتا دشنام‌آلودند که نقل آنها به آسانی میسر نیست و بعضی دیگر هم البته تحسین‌آمیزند. اظهار نظرهای مینوی در حاشیه مقالات و مطالب یغما از این حیث اهمیت دارد که رأی صائب او را درباره نویسندگانی نشان می‌دهد که در آن سال‌ها هنوز جوان بودند و آنچه در یغما منتشر می‌کردند از زمره نخستین مقالات و پژوهش‌هایشان بود — نویسندگانی چون عبدالحسین زرین‌کوب و غلامحسین یوسفی و باستانی پاریزی. با این حال، ارزیابی مینوی از همان نخستین آثار آنها درست و دقیق و در مجموع مبین استعدادی است که در سال‌های بعد از خود بروز دادند. برای این که نمونه‌ای از این گونه ارزیابی‌های او را به دست داده باشم، ناگزیر به دو سه مورد آن اشاره و تفصیل بحث را به فرصتی دیگر موکول می‌کنم. گویا نخستین مقاله‌ای که از زنده‌یاد استاد عبدالحسین زرین‌کوب منتشر شده است «نقد الشعر در یونان و روم» باشد که حبیب یغمایی آن را در یغما (۱۳۲۸، صص ۲۴۵-۲۴۸) چاپ کرده است. مینوی در حاشیه آن نوشته: «نویسنده [آدم باسواد بابصیرتی به نظر می‌رسد] روان و صحیح و موجز می‌نویسد.» در حاشیه مقاله دیگری از زرین‌کوب (۱۳۳۰، صص ۱۱۹-۱۲۳) که عنوان آن «فلسفه و هنر» است، چنین نوشته: «در ترجمه بودنش شک نیست. بد هم ترجمه نشده است ولی خوب بود می‌گفت که از کجا ترجمه کرده است.» اما نظر تأیید آمیز او درباره این نخستین نوشته‌های زرین‌کوب موجب نشده است که از سایر نوشته‌های وی انتقاد نکند. در حاشیه یکی از مقاله‌های زرین‌کوب (۱۳۳۱، صص ۳۴۹-۳۵۳) به نام «منوچهری شاعر طبیعت» یادداشت‌های انتقادی جالبی از مینوی می‌بینیم. در بخشی از مقاله، زرین‌کوب ناگهان به مقایسه شاعران دربار مسعود غزنوی با شاعران متأخر فرانسوی پرداخته و نوشته است: «آن روح شهامت و وفاداری که مارو را به دفاع از ژاک دو بون، یا لافوتین را به ملح و تبرئه فوکه واداشت در میان شاعران این دربار نمی‌توانست نظیر بیابد» (همان، ص ۳۵۰). مینوی در حاشیه نوشته است: «چه لازم که آدم فضل‌فروشی کند و از مواردی که بر خواننده مشهود نیست شاهد و مثال بیاورد؛ اگر در باب فرنگی‌ها چیزی می‌نوشت و مثالی از آنچه بر ایرانیان معروف است در آن می‌آورد محملی داشت.» در جای دیگر، زرین‌کوب با استناد به بییتی از منوچهری (از حکیمان خراسان کو شهید و رودکی / گو بیابید و ببینید این شریف ایام را) آن را نشان‌دهنده تأسف منوچهری از کساد بازار شعر در دوره مسعود می‌داند، حال آن که شعر منوچهری ظاهراً عکس این را می‌گوید. از این رو، مینوی در حاشیه نوشته است: «شعر او را خلاف ظاهر آن تفسیر کرده است.» در ادامه، زرین‌کوب باز به فلسفه رواقی و سخنان اپیکور و اپیکت گریز زده و بعد هم درباره هر یک چند سطر زیرنویس آورده است. مینوی در حاشیه چنین نوشته: «این چهار سطر و آن حواشی به‌کلی زاید است.» باز وقتی زرین‌کوب به مقایسه منوچهری با «رمانتیک‌ها» پرداخته، مینوی با عصبانیت نوشته است: «منوچهری علاوه بر این که رمانتیک نیست گاو و خر و هزار چیز دیگر هم نیست!» در بخش دوم مقاله (همان، صص ۵۰۲-۵۰۸)، زرین‌کوب منوچهری را «در زبان ما» یادآور «کسانی مانند هوراس، آناکرئون، ایونواس و زنارساد» دانسته

بعضی از یادداشت‌هایی که مینوی در حاشیه کتاب‌ها یا مجلات خود نوشته است و اجد ارزش تاریخی هم هستند و ممکن است بر زوایای پنهان تاریخ سیاسی و فکری معاصر نیز پرتوی بیفکنند

است (همان، ص ۵۰۸). مینوی در حاشیه صفحه با لحن تندی نوشته است: «چند تایی از این شعرا را خواننده‌ای آقای فریب...» متأسفانه ادامه جمله مینوی هنگام نگاه صحافی مجلد مجله برش خورده و از بین رفته است! مینوی، در همان نخستین شماره مجله یغما، اول به سراغ سرمقاله حبیب یغمایی رفته و خطاهای نگارشی آن را یادآور شده است. درباره شعری که در آغاز مجله آمده و سروده حسین سمیعی (ادیب السلطنه) است، چنین نوشته: «غالب ابیات آن مهمل و سست و بی معنی است» و تذکر



محمد دهقانی

از افتتاح کتابخانه مینوی اکنون بیش از چهل سال می‌گذرد. این کتابخانه در سال ۱۳۵۴ به گفته خود مینوی حاوی ۲۵۰۰۰ جلد کتاب بوده و حبیب یغمایی در سال ۱۳۵۵ قیمت آن را بیست میلیون تومان برآورد کرده است که به حساب امروز چیزی بیش از ۱۰ میلیارد تومان می‌شود. آنچه اکنون فهرست نسبتاً کامل کتابخانه مینوی نشان می‌دهد این است که شمار کتاب‌های چاپی و سنگی آن حداکثر به حدود بیست هزار مجلد می‌رسد. اختلاف این عدد با عددی که مینوی اعلام داشته به این دلیل است که خود او بعضی از کتاب‌های کوچک‌تر را کنار هم نهاده و در یک مجلد صحافی کرده است. در شماره‌گذاری دستی ماشینی که اخیراً (دهه ۱۳۸۰ خورشیدی) صورت گرفته، هر یک از آن مجلدات که شامل چند کتاب می‌شده طبعاً ذیل یک شماره فهرست شده است و به این ترتیب شمار نهایی کتاب‌ها کمتر از مقداری به نظر می‌رسد که مینوی برآورد کرده است. البته، پس از وفات مینوی که کتابخانه او در اختیار بنیاد شاهنامه و بعداً پژوهشگاه علوم انسانی قرار گرفت، مقادیر دیگری کتاب چاپی به آن اهدا و افزوده شده است. علاوه بر این‌ها، مرحوم محمد تقی دانش‌پژوه نیز کتابخانه شخصی خود را که شامل بیش از ۶۰۰۰ مجلد است به کتابخانه مینوی اهدا کرده و این مجموعه هم به صورت مجزا شماره‌گذاری و فهرست‌نویسی شده است. گذشته از این‌ها، مرحوم دانش‌پژوه مقدار زیادی نسخه عکسی (facsimile) و میکروفیلم و کتاب‌های چاپ سنگی خود را نیز به کتابخانه مینوی بخشیده است. بر اساس فهرست‌واره کتابخانه مینوی که به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار تهیه و به همت پژوهشگاه علوم انسانی منتشر شده است، کتابخانه مینوی، افزون بر آنچه آمد، شامل ۱۴۴ عنوان نسخه خطی و ۱۰۰ عنوان میکروفیلم و ۳۹۸ عنوان نسخه عکسی هم می‌شود. بنابراین، شمار مجموع کتاب‌های آن، اعم از چاپی و سنگی و فاکسی‌میل و میکروفیلم، اینک از مرز سی هزار درگذشته است. مجموعه‌ای از نامه‌ها و یادداشت‌ها و عکس‌ها و اسناد مینوی نیز در این کتابخانه نگهداری می‌شود. مجتبی مینوی که بر حسب عادت هنگام مطالعه گویا دائماً قلم در دست داشته و نظر خود را — اعم از نقد و سرزنش و ستایش و شرح و توضیح — درباره هر مطلبی که می‌خوانده در هامش کتاب‌ها یادداشت می‌کرده است. این یادداشت‌ها گاه بسیار اشاره‌وار و مختصر — در حد علامت تعجب یا سؤال — و گاه چنان مفصل است که مینوی ناگزیر آنها را به صورت دفترچه‌ای درآورده و به پایان کتابی که می‌خوانده ضمیمه کرده است. بسیاری از این یادداشت‌ها حاوی فواید علمی و پژوهشی و انتقادی اند. از باب نمونه، اشاره می‌کنم که مینوی از شروع انتشار مجله یغما در سال ۱۳۲۷ با بنیادگذار و گرداننده آن، مرحوم حبیب یغمایی، همکاری داشت و با این که خود هنوز مقیم لندن بود برای او مطلب می‌فرستاد و مقالات یغما را هم به‌دقت می‌خواند و نظر خود را در حاشیه بسیاری از آنها یادداشت می‌کرد. هم مقاله‌های او در مجله یغما ارزش این را دارد که بر حسب موضوع (انشا و نگارش، ادبیات و تاریخ، نقد ادبی، فرهنگ و جامعه، ترجمه، و...) در چند مجلد د تبویب و تدوین شود و همراه با مقدمه‌ای تحلیلی از نو منتشر گردد و هم حواشی او بر مقالات آن مجله، واجد ارزشی فوق‌العاده است. چنان که می‌دانیم بسیاری از متفکران، نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران و سیاستمداران نامدار ایران در دوران نسبتاً طولانی انتشار یغما که بیش از سی سال، بی آن که وقفه‌ای در آن رخ دهد، به طول انجامید با آن

داده که قدما همین حرف‌ها را «بهتر گفته‌اند» و ایرادات دیگری هم به شاعر گرفته است. خودش هم در همان شماره داستانی از یک نویسنده نه چندان معروف انگلیسی، به نام کوئیلر کوچ (Quiller Couch) ترجمه و منتشر کرده است. نکته جالب توجه این است که متن ترجمه خودش را نیز تصحیح کرده و یادداشت‌هایی بر آن نوشته است. دکتر محمد معین را نیز که در همان شماره مقاله‌ای دارد به نام «مرو» که «بی نصیب نگذاشته و در کنار این جمله او که «حمزه اصفهانی و مؤلف مجمل التواریخ کتاب مروک را در ردیف کتب کلبه و دمنه و بوداسف و بلوهر و سندباد یاد کرده‌اند» نوشته است: «کجا؟ [نویسنده] مهمل فرموده است!» در ادامه، دکتر معین توضیح داده است که «احتمال قوی می‌رود که کتاب مروک نیز متعلق به عهد ساسانی باشد. نگارنده با محققان ایرانی و خاورشناسان اروپایی در این باب مذاکره کرد و...» مینوی زیر عبارت «خاورشناسان اروپایی» خط کشیده و خطاب به معین نوشته است: «کجا دیدیشان؟! [معین معتقد است که مروک فیلسوفی بوده که پس از بزرگمهر در زمان ساسانیان می‌زیسته و برای این که تلفظ درست نام او را نشان دهد قطعه شعری عربی استناد کرده که یکی از ابیات آن این است: قال الحکیم الفارسی بزرگمهر ثم مروک

لاترضین من الصدیق بکیف انت و مرحبا بک به عقیده معین، «از قوافی این قطعه پیداست که باید «مروک» به فتح سوم خوانده شود و نیز چون او را در ردیف بزرگمهر یاد کرده معلوم است که گوینده وی را در زمره حکمای باستانی می‌شناخته، و نیز عصر او را پس از بزرگمهر مشهور دانسته است» (معین، ۱۳۲۷، ص ۱۵). مینوی (در حاشیه) این استنباط معین را به دو دلیل موجه رد کرده است: اول این که مگر «مرحبا ب ک

نام کتابخانه مینوی

کتاب‌ها یا مجلات خود نوشته است واجد ارزش تاریخی هم هستند و ممکن است بر زوایای پنهان تاریخ سیاسی و فکری معاصر نیز پرتوی بیفکنند. یک نمونه آن مربوط می‌شود به مطلب کوتاهی که در یکی از شماره‌های همین مجله یغما منتشر شده است. عنوان این مطلب «قبض سفارشی پست‌خانه» و نویسنده آن گمنام است. در این مقاله یک صفحه‌ای اشاره شده است که در شعبان یا رمضان ۱۳۳۶ ق/شهریور یا مهر ۱۲۸۷ خ حیدرخان عمو اوغلی، انقلابی و تروریست مشهور صدر مشروطه، بمبی را در بسته‌ای پستی جاسازی می‌کند و با پست سفارشی از تبریز به در خانه حاکم مستبد مرند یعنی شجاع نظام می‌فرستد که «یکی از بزرگ‌ترین دشمنان مشروطه طلبان» بود. شجاع نظام، به تصور آن که بسته سفارشی جعبه جواهرات است به هیچ یک از نوکرانش اجازه نداد که آن را باز کنند و «خودش در حضور پسرش شروع به باز کردن بندهای بسته کرد». بمب منفجر شد و شجاع نظام و پسرش را کشت. نویسنده ناشناس این مطلب در پایان آن تذکر داده است که «مرحوم حیدرخان قبض سفارشی پست‌خانه را... عینا به یکی از دوستان خود فرستاد و چون علامتی از یک واقعه تاریخی است عین قبض سفارشی کلیشه شد.» تصویر قبض هم در کنار این مطلب چاپ شده است. قبض نشان می‌دهد که بسته را کسی به نام سید رضا نه «در شعبان یا رمضان» بلکه دقیقا در نهم شوال ۱۳۳۶ تحویل پست‌خانه تبریز داده است. اما آنچه این قبض و مطلب مربوط به آن را جذاب‌تر می‌کند یادداشتی است که مینوی به خط خود بر آن افزوده و معلوم کرده است که نویسنده مطلب همانا تقی‌زاده است که در زمان ترور شجاع نظام در لندن به سر می‌برده اما با حیدرخان در ارتباط و از دوستان و همکاران معتمد او بوده است. به همین سبب حیدرخان قبض را برای تقی‌زاده می‌فرستد تا ثابت کند که ترور شجاع نظام کار خودش است. یادداشت مینوی از این قرار است: این شرح ظاهرا از تقریر آقای تقی‌زاده گرفته و تحریر شده است. ایشان گفتند این سید رضا که اسمش روی قبض ذکر شده است سید رضا مرتضوی بود و حیدر عمو اوغلی قبض را در پاکتی گذاشته و به کمبریج برای آقای تقی‌زاده فرستاده و در نامه‌ای کیفیت نامه نوشتن و ارسال بمب را هم شرح داده بود، مجتبی [آ] یعنی آقای تقی‌زاده پس از شصت سال که از آن تاریخ گذشته است هنوز آقای تقی‌زاده این وقعه را با تمام جزئیات آن به یاد دارند و روز ۲۴/۷/۱۶ همه را برای من تکرار کردند. تقی‌زاده در آن زمان سال‌های پایانی عمر خود را می‌گذراند و با توجه به یادداشت مینوی مسلم است که «قبض پست‌خانه» و توضیحات مربوط به آن را هم خود او در اختیار حبیب یغمایی گذارده است، با این همه ببینید شدت احتیاط و زیرکساری و محافظه‌کاری او را که پس از شصت سال باز حاضر نشده است هیچ نام و نشانی از خود در این ماجرا باقی بگذارد و اگر نبود این یادداشت مختصر و در حقیقت گواهی آشکار مینوی، شاید اصلا معلوم نمی‌شد که ربط تقی‌زاده با این موضوع چیست. نمونه تاریخی دیگری را که بازتاب روحیه حقیقت‌جویی مینوی است در حاشیه نامه‌ای می‌بینیم که حبیب یغمایی از عباس اقبال (۱۳۳۹، صص ۲۸۸-۲۸۹) ذیل عنوان «نکت علم و ادب» منتشر کرده است. این نامه مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۳۵ (دوم اسفند ۱۳۱۳) است. اقبال در این نامه که مخاطب آن محمدعلی جمال‌زاده است از اوضاع نابسامان علم و دانش در ایران شکوه می‌کند و سپس از «چهار پنج نفر نکت‌زدگان اهل ادب» نام می‌برد که عبارت بوده‌اند از قزوینی، تقی‌زاده، جمال‌زاده، مینوی، و خودش: حال این آقایان چیست و تمتعی که از حیات ادبی خود برده‌اند کلام است؟ بیچاره قزوینی که بعد از سال‌های سال دربه‌دردی و خون‌جگرگی تصادف روزگار قوت لایموتی به او می‌رساند و حال زندگانی مادی اش خوش نیست. تقی‌زاده بعد از یک عمر درستکاری و خدمت به آزادی ایران تازه به تدریس الفبای فارسی در لندن مفتخر و سرفراز شده است که از گرسنگی نمیرد. حال آن دوست عزیز هم بر خود

یادداشت‌های مینوی در بعضی از کتاب‌ها یا مجلات

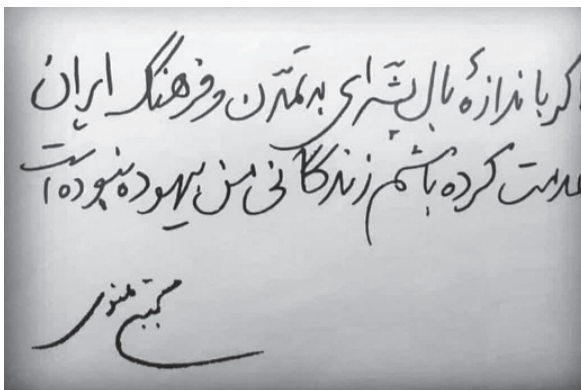
از چنان وحدت موضوع و پیوستگی و استمراری

بر خوردارند که می‌شود آنها را به صورت مقاله‌های

جداگانه باز نویسی و منتشر کرد

سرکار روشن‌تر است تا بر دیگران. مینوی تمام کتاب و اسباب کار خود را فروخته و به خیال یافتن کاری از طهران فرار کرده و الساعه در لندن در میان خوف و رجا ساعت می‌شمارد. احوال بنده را هم بر همین منوال قیاس کنید. (همان، ص ۲۸۹) مینوی گفته عباس اقبال را در مورد خودش تکذیب کرده و کنارش صریحا نوشته است: «دروغ است.»

یادداشت‌های مینوی در هامش کتاب‌ها و مجلات کتابخانه‌اش از این حیث هم اهمیت دارد که وی با خرده‌نگری و وسواسی عجیب سهوها و اشتباهات نگارشی



بهترین نویسندگان عصر نظیر جمال‌زاده و سعید نفیسی و فروزانفر و یوسفی و زرین کوب را هم یادآور شده و تصحیح کرده است. بر اساس همین غلط‌گیریها و تصحیحات می‌توان کتاب آموزشی خوبی نیز در زمینه نگارش و ویرایش فارسی فراهم آورد. امتیاز دیگر کتابخانه مینوی تقدیم‌نامه‌هایی است که بسیاری از دانشمندان و مستشرقان و نویسندگان و شاعران بزرگ معاصر در آغاز کتاب‌ها و مقالاتشان به خط خود نوشته و آنها را به مینوی پیش کش کرده‌اند. بسیاری از این تقدیم‌نامه‌ها هم امروز اسنادی تاریخی و فرهنگی به شمار می‌آیند و باید در حفظ آنها کوشید. در این جا باز فقط به یکی دو نمونه از این دست اشاره می‌کنم. میرزا محمدعلی خان تربیت سالنامه‌ای در تبریز چاپ کرده و آن را به خط خود و با این عبارت به مینوی تقدیم داشته است: «خدمت دوست محترم ادیب دانشمند آقای آقا مجتبی دام اقباله تقدیم شد... اول فروردین ۱۳۰۷». کوهی کرمانی نیز مجله‌ای به نام نسیم صبا منتشر می‌کرده است که شماره اول سال دهم آن تاریخ خرداد ۱۳۱۱ را دارد. تقدیم‌نامه او را به خط خودش در صفحه آغازین مجله می‌بینیم: «تقدیم به کتابخانه حضرت فاضل منتب ع و ادیب دانشمند آقای مجتبی خان مینوی دامت افادته... [طهران] [۱۲ فروردین ۱۳۱۲]». ح. کوهی کرمانی، با توجه به نکته‌ها و نمونه‌هایی که تا این جا آمد و صرفا مربوط می‌شد به نسخه‌های چاپی کتابخانه مینوی باید روشن شده باشد که این کتابخانه را نمی‌توان در زمره کتابخانه‌های عمومی یا تخصصی معمول به شمار آورد و بسیاری از منابع آن را که حاوی یادداشت‌های مینوی یا دستخط دیگر بزرگان زمان اوست مستقیما در اختیار مراجعان گذارد. از باب مثال، دوره مجله یغمایی که در کتابخانه مینوی نگهداری می‌شود فرق دارد با همه دوره‌های این مجله در سایر کتابخانه‌ها و با توجه به توضیحاتی که پیش از این آمد نباید محل مراجعه عام باشد. بنابراین، واجب‌ترین کاری که عجالتا باید در مورد منابع این کتابخانه صورت بگیرد این است که همه یادداشت‌های مینوی و بزرگان دیگر از حواشی یا هامش کتاب‌ها استخراج و تا حد امکان مرتب و منظم شود و در قالب مجلداتی جداگانه در اختیار مراجعان و پژوهشگران قرار گیرد. برای این کار باید یکایک سی هزار عنوان کتاب و مجله ای که در این کتابخانه هست بررسی و همه تعلیقات و یادداشت‌های مندرج در آنها، اعم از یادداشت‌های خود مینوی و نوشته‌های دیگران، ارزیابی و هر کدام که ارزش علمی و ادبی و تاریخی دارد ذیل عناوین مشخص موضوعی و الفبایی طبقه‌بندی شود. یادداشت‌های مینوی در بعضی از کتاب‌ها یا مجلات از چنان وحدت موضوع و پیوستگی و استمراری برخوردارند که می‌شود آنها را به صورت مقاله‌های جداگانه بازنویسی و منتشر کرد (این کار به عنوان مثال در باب تعلیقات و یادداشت‌های انتقادی مینوی بر بعضی از مقالات مینورسکی صورت گرفته که امید است به‌زودی در مجله ایرانشهر منتشر شود). دومین کار لازم تصویربرداری دیجیتال از همه یادداشت‌ها و دستخط‌هایی است که از مینوی بزرگان دیگر در منابع کتابخانه وجود دارد تا مراجعان در صورت نیاز از آنها استفاده کنند و اصل یادداشت‌ها بر اثر مراجعات مکرر دچار آسیب و دست‌فروسی نگردد. در حقیقت با این بخش از منابع کتابخانه باید همان معامله‌ای صورت گیرد که درباره‌ی نسخ خطی لحاظ می‌شود، یعنی با همان دقت و حساسیت باید از آنها مراقبت کرد. متأسفانه اکنون بخشی از حواشی کتب و مجلات بر اثر صحافی (چه در زمان حیات خود مرحوم مینوی و چه پس از آن) زیر تیغ برش رفته و ناقص شده است. کار مهم دیگری که اکنون به همت پژوهشگاه علوم انسانی در کتابخانه مینوی صورت می‌گیرد فهرست‌برداری از نسخه‌های خطی و عکسی (facsimile) کتابخانه است. چنان که اشاره شد، مرحوم دانش‌پژوه هم مخزن نسخه‌های خطی خود را که عمدتا به شکل عکس یا میکروفیلم است به کتابخانه مینوی اهدا کرده است. این نسخه‌ها و نیز نسخه‌های خطی مینوی و کتاب‌های چاپ سنگی او را که اغلب آنها امروز کمیاب یا نایاب‌اند باید به کمک اسکنرهای پیشرفته به صورت تصویر دیجیتال در آورده و به شکل برخط (online) در اختیار علاقه‌مندان قرار داد.

منبع: کتابخانه و مرکز اسناد مجتبی مینوی نویسنده- مترجم و پژوهشگر



به کسر نیست؟ دیگر این که تم... حتم نیست افاده تأخ ر زمانی کند! باز در همان شماره اول یغما، دکتر لطفعلی صورتگر هم که در آن روزگاران استاد نقد ادبی دانشگاه تهران بود مقاله‌ای نوشته است در نقد خطابه معروف تقی‌زاده، ذیل عنوان «لزوم حفظ زبان فصیح فارسی» و در آن به این جمله تقی‌زاده ایراد گرفته است: «استان اتلاف عرب‌ها کتب ایرانی را جز افسانه محض چیزی نیست.» به عقیده صورتگر، این عبارت به هر معیاری که سنجیده شود از فصاحت خارج است و زبان فصیح فارسی که طرفداری از آن به پیروی از دانشمند محترم [یعنی تقی‌زاده] بر همه کس فرض است این طرز جمله بنالی را نمی‌پذیرد، و هر کس می‌داند که «ز» مفعولی که در وسط جمله واقع شده کلام را از روانی و زیبایی انداخته است» (صورتگر، ۱۳۲۷، صص ۴۰-۴۱). مینوی در حاشیه دو نمونه بسیار قدیمی از این کاربرد «رای مفعولی را آورده است، بی آن که هیچ اظهار نظری بکند: «از عین الحیاة: بعد از این حدیث زدن و بیرون کردن علی بن بابویه او را از قم نقل فرموده است «و» از کشف المحجوب، ص ۱۹۰: — و رد و هجر مشایخ وی را نه به معنی طعن اندر مذهب است. «در اردیبهشت ۱۳۳۷، مرتضی مطهری در یغما (صص ۷۹-۸۴) مقاله‌ای در نقد ترجمه ابوالقاسم پاینده از قرآن نوشته است. مینوی در ذیل مقاله از نویسنده جوان آن چنین تمجید کرده است: «هم بسیار باسواد و دقیق و محقق است و هم خیلی خوب فارسی می‌نویسد. آفرین.» اگر بخواهم همه حواشی ارزشمندی را که مینوی فقط بر مقالات و مطالب منتشره در یغما نوشته است گزارش دهم خود کتابی مفصل و خواندنی خواهد شد. لاجرم در این جا به همین مقدار اندک بسنده می‌کنم و امیدوارم در آینده نزدیک همه یادداشت‌های انتقادی او را از حاشیه کتاب‌های استخراج کنم و طی مقاله‌هایی جداگانه به آگاهی علاقه‌مندان برسانم. بعضی از یادداشت‌هایی که مینوی در حاشیه

خبر

هزار و ۹۵۰ میلیارد ریال از مطالبات سویا کاران پرداخت شد



مدیرکل غله و خدمات بازرگانی گلستان گفت: با پیگیری استاندار گلستان و همراهی وزارت جهاد کشاورزی و شرکت بازرگانی دولتی ایران، هزار و ۹۵۰ میلیارد ریال از مطالبات سویا کاران این استان پرداخت شد. به گزارش روابط عمومی، روح الله مهری اظهار کرد: این مبلغ برای خرید پنج هزار و ۴۱۷ تن سویا پرداخت شد. وی افزود: پرداختی روز جاری بر اساس فهرست اعلامی از سوی تعاون روستایی استان بوده و کشاورزانی که بهای سویای تحویلی خود را دریافت نکردند به تعاون روستایی استان مراجعه کنند. قیمت تضمینی هر کیلوگرم سویا از سوی دولت در سال گذشته ۳۳۰ هزار ریال تعیین شده است. کشت سویا در استان گلستان به ۲ صورت بهاره و بعد از برداشت کلزا و جو و گندم (خرداد) و برداشت محصول نیز مهر تادی انجام می‌شود.



دستگاه قضایی مانع تعطیلی ۱۲ واحد تولیدی شد

رییس کل دادگستری گلستان با اشاره به اینکه امسال ۲۷۵ مورد بازدید از واحدهای تولیدی انجام شد، گفت: در سال جاری ۱۴ واحد تولیدی با ظرفیت ۲۵۵ فرصت شغلی در استان احیا شد و از تعطیلی ۱۲ واحد تولیدی با ظرفیت ۵۶۸ نفر جلوگیری به عمل آمد. به گزارش روابط عمومی، حیدر آسیابی در جلسه شورای قضایی و مجمع نمایندگان گلستان با حضور وزیر دادگستری و مدیرکل دفتر نمایندگان مجلس و قوه قضاییه در مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: امسال ۵۸۹ تقاضا از واحدهای تولیدی به دستگاه قضایی وارد شده که در ۳۳۰ مورد منجر به حل مشکل شده است. وی با بیان اینکه استان گلستان ۱۹ حوزه قضایی دارد و ۶ سال است که تعداد قاضی در گلستان ثابت مانده و حتی روند کاهش داشته است، یادآور شد: در چهار سال گذشته ۲۸۶ قاضی در استان فعال بودند که در حال حاضر به ۲۸۰ نفر رسیده است. رییس کل دادگستری گلستان افزود: سال گذشته با احتساب شورای حل اختلاف ۵۰۰ هزار پرونده وارد دستگاه قضایی گلستان شده و این حجم از مأموریت طاقت‌فرسا است اما تلاش ما ارائه بهترین خدمات به مردم است.



نگرفت، نگاه در نگاهش کرد، خرگوش بسویش آمد با آرامش تمام در دستانش جای گرفت، در این لحظه از تنهایی در آمد، از خیال‌ها فارغ شد طوری که انگار همه جهان را صاحب شده است، صدای قلب او و خرگوش یکی شدند، خرگوش را در آغوش فشرد، حسی خوب داشت، به قلب نگاه کرد، با او فاصله ای نداشت، تصمیم گرفت با خرگوش خود را به نوک قلب برساند و یکی از زیباترین نغمه‌ها را در آنجا زمزمه کند، بر سرعتش افزود، قلب خرگوش بشدت می‌تپید قلب او هم به پیش در آمد سرعت پاهایش باور نکردنی بود نفس‌های او و خرگوش یکی شدند، دیگر به بالاترین نقطه‌ی قلب رسید، خرگوش را از خود جدا کرد و بر روی زمین نهاد، خرگوش از او چشم بر نمی‌داشت، شروع به خواندن کرد، از جمادی مردم و نامی شدم وز نما مردم به حیوان بر زدم حمله دیگر بمیرم از بشر تا برآرم از ملاتک پر و سر ... پژواک صدایش تا دورها شنیده می‌شد، اینجا دیگر سراسر مه بود و رگه‌ای از نور آفتاب زمستانی، دیگر تنها صدا بود... مه و نور و نه نشانی از او.

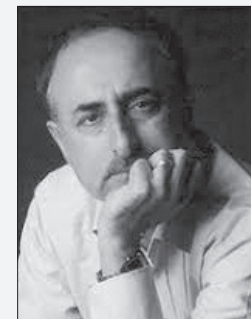
استاد دانشگاه

دیدار چند ساعته با دوستی اهل دل فارغ شده بود، محفلی که با ساز و آواز او گذشت، همزمان با خانم و دخترش آلا صحبت کرد، و از آن مکان مستقیم به دیدار دوستی رفت تا شاید با او در کوه تنهایی اش را بتکاند ولی آن دوست مشغله خود را داشت، پس به تنهایی راهی قله بی بازگشت زندگیش شد، در جایی دور افتاده اتوموبیلش را پارک کرد، از خودش متعجب گردید که چرا لباس و وسایل کوه را با خود به همراه ندارد، انگار اینبار می‌خواست با لباسی رسمی بدیدار دوست خوب مهرانش خرگوش همیشه منتظرش برود و قدری با او درد دل کند، دل توی دلش نبود، احساس سبکی می‌کرد، نسیم نیمروزی زمستانی جانی شیرین به او داد تا یاد همه روزهای کودکی، جوانی، سال‌های سخت، سرد، گرم و خوش و ناخوش ایران بیفتد، انگار پرده عریض سینمایی در جلویش بالا رفته است و او همه آن لحظات را بخوبی در آن مشاهده می‌کرد، پرده سینمای دلخواهش در ساری سینما سپهر، بهترین روزهای زندگیش بسرعت در آن پرده عبور می‌کردند، با شوری آنها را می‌دید و میخواست همانند تدوینگری ماهر بهترین نماها را انتخاب و چیدمان نماید و از میان آنها زیباترین صحنه را چنگ زند و در دستانش بفشرد، بعضی نماها را سیاه و سفید میخواست مثل قابی با پدر و مادرش، بعضی‌ها را رنگی همانند یک قاب با خانم و آلا قابی دیگر با همه اعضا خانواده، و یک قاب بزرگ از زادگاهش امرو، قاب‌ها را یکی بعد از دیگری با سرعتی باور نکردنی چینش می‌کرد که بناگاه صدایی شنید، صدای خرگوش بود، چشم در چشمش کرد، دیگر از او فاصله نمی‌گرفت مثل بچه خرگوشی که در کودکی زیر درخت گردوی مزرعه اش پیدا کرد و به خانه آورد تا بزرگش کند ولی مادر بزرگ به او گفت باید بچه خرگوش را به مادرش برگردانی، لحظه‌ای حس کرد این خرگوش شاید همان خرگوش باشد انگار خودش بود بسویش رفت، خرگوش از او فاصله



به یاد برادرم سید ابوالحسن مختاباد

نور آفتاب زمستانی



مصطفی مختاباد

آن روز موعود، ۲ بهمن ماه ۱۴۰۱ به وقت ایران و ۲۲ ژانویه ۲۰۲۲ شهر آکلند کالیفرنیا، روزی دیگر بود، آفتاب شغایی دیگر داشت، هوای دیروز اوکلند نیمه ابری بود ولی امروز درخشش آفتاب در میانه زمستان حس بهاری داشت، آسمان زلال بود، تازه از جلسه

توانمندسازی ۶ محله کم بر خودار در حال انجام است

موفق در این حوزه نیز استفاده کرد. وی اظهار کرد: هم‌افزایی بین ادارات و نهادها و پرهیز از موازی کاری در اجرای طرح‌های مرتبط با کاهش آسیب‌های اجتماعی امری ضروری است ضمن اینکه باید در تدوین طرح‌ها، مناطق روستایی گنبدکاووس که ۵۶ درصد جمعیت شهرستان را تشکیل می‌دهند نیز دیده شوند. دهرویه توجه به محلات و روستاهای کم برخوردار، افزایش سطح امید و نشاط در جامعه، آموزش و اطلاع رسانی را در کاهش آسیب‌های اجتماعی مهم دانست و گفت: اجرای برنامه‌های شاد و مفرح از جمله برگزاری مسابقات ورزشی و بازی‌های بومی و محلی در این حوزه، اثرگذار خواهد بود. وی همچنین بر لزوم رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی پیشگیری از بیماری آنفلوآنزا از سوی شهروندان گنبدی تاکید کرد و افزود: عادی انگاری در این بخش ممکن است موجب همه‌گیری این بیماری ویروسی و حاد تنفسی شود.



اجتماعی و کاهش آن تدوین و اجرا کنند. فرماندار گنبدکاووس با بیان اینکه طرح‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی باید با استفاده از ظرفیت‌های شهرستانی، قابلیت اجرا داشته باشد، ادامه داد: در اجرای برنامه‌ها و در صورت فراهم بودن شرایط می‌توان از ظرفیت‌های استانی، ملی و تجربیات

افزافه کرد: هر یک از ادارات و نهادهای گنبدکاووس بویژه آموزش و پرورش، بهزیستی، کمیته امداد، ورزش و جوانان، هلال احمر و مراکز آموزش عالی باید متناسب با جامعه هدف خود و نیز با استفاده از نقطه نظرات کارشناسان مجرب و دانشگاهی یک طرح و برنامه برای پیشگیری از آسیب‌های

فرماندار گنبدکاووس از اجرای طرح سراسری موسوم به ۲۰۲۰ ویژه محلات کم برخوردار کشور در ۶ محله این شهر خبر داد و بیان کرد: هدف از این طرح ملی توانمندسازی این محلات با ارائه خدمات مناسب از سوی ادارات و نهادهای متولی است. به گزارش روابط عمومی، مهدی دهرویه در جلسه کارگروه اجتماعی، فرهنگی، سلامت، زنان و خانواده گنبدکاووس افزود: هم اکنون این طرح که از سال ۱۴۰۱ شروع شده در محلات افغان آباد، آخوند آباد، بدلجه، مصلی، رسالت و امام اعظم در حال اجرا است. وی کاهش آسیب‌های اجتماعی را از دیگر اهداف اجرای طرح ۲۰۲۰ در محلات کم برخوردار گنبدکاووس دانست و اضافه کرد: آسیب‌های اجتماعی تهدید جدی برای سلامت خانواده‌ها بویژه نسل نوجوان و جوان است که باید با انجام اقدامات پیشگیرانه مبتنی بر طرح و برنامه مناسب آنرا کاهش دهیم. دهرویه